



From Draft Bill to Law: Exploring Structural Differences and Complementary Capacities of Hijab and Modesty Policies in Iran

Elham Najafi^{1*}, Ahmad Bahrloo²

1. Researcher at the National Research Institute for Promotion of Virtue and Prevention of Vice, Iran.
(Corresponding Author). Email: e_najafi110@yahoo.com

2. Chairman of the Board of Directors, Center of Attorneys affiliated with the Judiciary, Qom Province, Qom, Iran. Email: ahmadbk1345@gmail.com

Abstract

Given the legislator's focus on preserving women's dignity, moral security, and public health, a bill titled "Bill for Supporting the Culture of Chastity and Hijab and Promoting Social Health" was drafted in 2023 (1402). However, the initiative represented a positive step by the government in regulating issues related to hijab and modesty, as well as flaws in legislative drafting, inconsistencies with Islamic jurisprudential principles, and conflicts with existing legal documents, which limited its effectiveness in reducing social disorders. Consequently, in 2024 (1403), a revised version titled "Law on Supporting the Family through Promoting the Culture of Chastity and Hijab" was enacted in five chapters and seventy-four articles. Considering the significance of this law within the broader context of legislative developments in the Islamic Republic of Iran, scholarly analysis is necessary. This article, employing a descriptive-analytical approach, examines the initial bill in terms of its legislative standards and jurisprudential and legal foundations. It identifies the gaps, deficiencies, and ambiguities in the formulation of legal provisions, and subsequently compares the original draft with the enacted law. The comparative study concludes that the final law adopts a more punitive and deterrent stance, expands the range of punishable offenses, increases financial penalties, and enables more comprehensive monitoring. Moreover, Parliament's emphasis on legal authority and deterrence reflects a tendency toward faster enforcement of penalties and stronger legal guarantees.

Keywords: Hijab, Modesty, Legislation, Social Harm.

از لایحه تا قانون؛ واکاوی تفاوت‌های ساختاری و ظرفیت‌های تکمیلی سیاست‌های فرهنگ عفاف و حجاب در ایران

الهام نجفی^{۱*}، احمد بهارلو^۲

۱. دانش آموخته دکتری مطالعات زنان گرایش حقوق زن، دانشگاه ادیان و مذاهب و پژوهشگر پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر کشور، قم، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: e_najafi110@yahoo.com
۲. دانش آموخته سطح چهار (معادل دکتری)، گروه فقه و اصول، حوزه علمیه قم و رئیس هیئت‌مدیره مرکز وکلا قوه قضائیه استان قم، قم، ایران. رایانامه: ahmadbk1345@gmail.com

چکیده

از آنجاکه حفظ کرامت و امنیت اخلاقی بانوان و حفظ سلامت جامعه مورد توجه مقنن می‌باشد؛ در سال ۱۴۰۲ لایحه‌ای با عنوان «لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب و حمایت از سلامت اجتماعی» تدوین شد. بی‌تردید اصل طرح گامی مثبت از جانب دولت و حاکمیت در حوزه عفاف و حجاب است؛ اما بروز اشکالاتی از جهت اصول و قواعد قانون‌نگاری و وجود نواقصی در مفاد و تعارض آن با مبانی فقهی و سایر اسناد قانونی موجب شد این لایحه چندان در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی مؤثر نیفتد، فلذا با اصلاحاتی در سال ۱۴۰۳ قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» در پنج فصل و هفتاد و چهار ماده تدوین شد. از آنجاکه قانون مذکور موضوعی مهم و قابل بررسی در زمینه تحولات تقنینی جمهوری اسلامی ایران است؛ بحث و پژوهش پیرامون آن ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی به نگارش درآمده، درصدد است لایحه اولیه را از حیث التزام به اصول قانون‌نویسی و مفاد لایحه را از جهت فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار داده و خلاصه، نقایص و ابهامات در تدوین عبارات قانونی شناسایی کرده و در ادامه، تفاوت‌های کلیدی لایحه اولیه با قانون ثانوی را بیان نماید. با بررسی تطبیقی به این نتیجه رسیدیم که قانون مصوب ضمن گسترش دامنه مصادیق تخلف، با تشدید رویکرد کیفری و تقویت جنبه‌های بازدارنده، ماهیتی سخت‌گیرانه‌تر نسبت به نسخه اولیه اتخاذ کرده است و با افزایش میزان جریمه‌های نقدی توأمان رصد تخلفات فراگیرتر شده است. همچنین مجلس با تأکید بر اقتدار قانون و گسترش دایره بازدارندگی، عملاً گرایش به سرعت در اجرای مجازات و تشدید ضمانت‌ها دارد.

واژگان کلیدی: الزام حجاب، عفاف، قانون‌گذاری، آسیب اجتماعی، لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، حفظ سلامت جامعه.

ارجاع به مقاله: نجفی، الهام و بهارلو، احمد. (۱۴۰۴). از لایحه تا قانون؛ واکاوی تفاوت‌های ساختاری و ظرفیت‌های تکمیلی سیاست‌های فرهنگ عفاف و حجاب در ایران. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۲(۲)، ۴۹ - ۶۶.

Doi: 10.22034/cjls.2025.2061838.1047

مقدمه

و جوب حجاب بانوان در برابر مردان غیر محرم، مورد توافق فقهای شیعه و همه مذاهب اسلامی است. (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۴۹۴-۴۹۵ و جزیری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۷۱) و تشریح حکم حجاب به تصریح آیات قرآن (احزاب: ۳۳، نور: ۵۹، احزاب: ۳۱) و احادیث (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۱۹۴) زمینه‌ساز ایجاد امنیت روانی و حفظ سلامت اخلاقی جامعه و ارزش‌گذاری عفاف و حیاست. عدم رعایت حجاب صرفاً یک ناهنجاری اجتماعی نیست بلکه مقابله با قانون رسمی کشور است و اصل بر این است که تمامی قوانین تدوین یافته، شرعی است. (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ص ۱۶) لذا نظر به لزوم حفظ منزلت و امنیت اخلاقی بانوان در نظام اسلامی و نقش بنیادین وی در تحکیم خانواده و حفظ سلامت جامعه نیاز به تدوین و تصویب قانونی جامع که همه جنبه‌های شرعی، فرهنگی، اجتماعی و قضایی موضوع را در برگیرد احساس می‌شود. البته پیش‌ازین نیز در نظام حقوقی ایران و در قوانین و اسناد بالادستی پیش‌بینی‌های مناسبی برای حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب و بنیاد خانواده صورت گرفته، اما برخی از اقتضانات و نیازهای روز ایجاب می‌کرد قوانین جدید و با رویکردهای متفاوتی در این زمینه تصویب شوند. از همین رو قوه قضائیه، با توجه به نیازهای روز فضای اجتماعی کشور، لایحه‌ای ذیل ۱۵ ماده با عنوان «لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب و حمایت از سلامت اجتماعی» را تدوین و آن را به دولت ارسال کرد و دولت نیز پس از بررسی‌های کارشناسی انجام‌شده این لایحه را به مجلس شورای اسلامی فرستاد و در تاریخ ۱۴۰۲/۲/۳۱ نسخه نهایی آن تصویب شد. این لایحه به منظور اهمیت دادن به رعایت هنجارهای اجتماعی (خاصه مقوله حجاب) در حفظ سلامت جامعه تدوین شد اما با این وجود لایحه منتشرشده به واسطه اشکالاتی که داشت نتوانست نظر مثبت جامعه نخبگانی را جلب کند، چراکه بروز اشکالاتی از جهت اصول و قواعد قانون‌نگاری در شرایط ماهوی لایحه و وجود نواقصی در مفاد لایحه و تعارض آن با مبانی فقهی و سایر اسناد قانونی و همچنین وجود چالش‌های اجرایی موجب شد این لایحه چندان در کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از بی‌حجابی و بی‌عفتی مؤثر واقع نشود. لذا بنا به کاستی‌های لایحه و همچنین حساسیت آحاد جامعه نسبت به کم و کیف وضع سیاست در حوزه حجاب، قانون حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، باهدف ارتقاء بازدارندگی و سامان‌دهی به سیاست‌گیری در این حوزه تصویب شد. باوجود امتیازات این قانون در

شفافیت ضمانت اجرا، رویکرد کیفی غلبه یافته و جنبه‌های فرهنگی و حمایتی تا حد زیادی مغفول مانده است. این مقاله تلاش دارد با نگاه انتقادی، ابعاد مغفول در این قانون را به شیوه‌ای نظام‌مند تبیین نماید. لازم به ذکر است از آن جهت که قانون مذکور به‌تازگی تصویب شده است؛ پژوهشگران هنوز مجال ورود به آن را پیدا نکرده‌اند؛ لذا به جرئت می‌توان گفت پژوهش حاضر پیشینه پژوهشی ندارد. بدین جهت بحث و پژوهش پیرامون محتوا و سیاست‌های مندرج در این قانون ضروری به‌نظر می‌رسد. در این پژوهش، سیر تحول تقنینی عفاف و حجاب از لایحه اولیه تا قانون نهایی با هدف شناسایی تغییرات مثبت و اصلاحات صورت‌گرفته در قانون نهایی و همچنین نقد علمی کاستی‌ها و ابهامات باقی‌مانده در متن آن مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت، پیشنهادهایی برای بهبود کارآمدی و انسجام حقوقی قانون ارائه خواهد شد.

بر اساس آنچه گذشت پرسش اصلی ما در این نگارش این است که لایحه اولیه عفاف و حجاب و قانون نهایی آن در چه ابعاد ساختاری و محتوایی دچار تحول شده‌اند این اصلاحات تا چه اندازه توانسته‌اند چالش‌های حقوقی و اجرایی را برطرف کنند؟

در گام نخست، مفاد منتخب لایحه از منظر انطباق با مبانی فقهی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و در ادامه با رویکردی تطبیقی، لایحه اولیه در پرتو اصول حاکم بر قانون‌گذاری و ضوابط فقهی و حقوقی، با متن نهایی مصوب مورد مقایسه قرار گرفته است؛ تا ضمن تحلیل سیر تحول تقنینی، میزان ارتقاء محتوایی آن سنجیده و نکات مغفول‌مانده یا نیازمند بازنگری شناسایی شود. در پایان میزان توافق‌مندی این لایحه با سایر اسناد قانونی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

۱. بررسی میزان الزام و انطباق با مبانی فقهی

بند (۱) «سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری، بر لزوم محوریت موازین شرع در تدوین طرح‌ها و لوایح قانونی به‌عنوان اصلی‌ترین منشأ قانون‌گذاری تأکید دارد. این‌بند، برگرفته از اصل ۴ قانون اساسی و رویکرد مکتبی نظام جمهوری اسلامی است. (محمدزاده و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۴۴۴) در مقدمه توجیهی لایحه و قانون مصوب ۱۴۰۳ گرچه به لزوم حفظ کرامت منزلت و امنیت اخلاقی افراد به‌ویژه بانوان و جایگاه رفیع و والای زن در نظام اسلامی اشاره شده است؛ اما به‌صراحت اسمی از «شریعت اسلامی» نیامده است. در صورتی که مبانی فقهی ما حجاب و عفاف را یک واجب الهی و انجام آن را گناه فردی و در صورت بروز و ظهور در اجتماع گناه

اجتماعی محسوب می‌نماید. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۴-۹۴) حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. (مغنیه، ۱۴۰۲، ص ۸۶) در چارچوب نظام حقوقی اسلام که بر مبنای شریعت و آموزه‌های فقهی استوار است، رعایت حجاب به عنوان یکی از احکام قطعی و عمومی شریعت، نه تنها تکلیفی فردی برای زنان مسلمان تلقی می‌شود، بلکه تحقق آن از وظایف حاکمیت اسلامی در جهت پاسداری ارزش‌های دینی و صیانت از نظم عمومی اخلاقی نیز محسوب می‌گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵؛ شهید صدر، ۱۳۸۹، ص ۸۷) بر این اساس، دولت اسلامی موظف است سازوکارهای لازم برای ترویج، حمایت و نظارت بر اجرای این حکم شرعی را فراهم آورد. این رویکرد با اصول دوم، چهارم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هماهنگ است که بر اسلامی بودن تمامی قوانین و لزوم رعایت معیارهای شرع تأکید دارند. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸) این در حالی است که مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی، کلیه قوانین باید با موازین شرع مطابقت داشته باشند و از این جهت، شایسته است قانون مصوب در مقدمه خود به «شریعت» ارجاع واقعی دهد تا مشروعیت قانونی آن با اصول قانون اساسی و ساختار فقهی مورد انتفاع جامعه، به روشنی نمایان شود.

۱-۱. الزام حجاب و حفظ نظام اسلامی

اصل حجاب از احکام ضروری اسلام است. (منتظری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۵۷، تهران ۱۳۷۷؛ سیستانی، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۴۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۹) این ضرورت در کلام بسیاری از فقیهان متقدم نیز تصریح شده است. به عنوان نمونه، شیخ طوسی در النهایه، پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم را از واجبات می‌داند و تنها وجه و کفین را استثنا می‌کند. (طوسی، ۱۳۶۶، ص ۴۸۹) همچنین، ابن ادریس حلی در السرائر، رعایت حجاب را از تکالیف مسلم شرعی برمی‌شمارد و معتقد است بدن زن، به جز وجه و کفین، باید از دید نامحرم مستور باشد. (ابن ادریس، ۱۳۶۸، ص ۵۹۱) محقق حلی در شرائع الاسلام نیز همین حکم را تکرار کرده و پوشش بدن زن را از ضروریات فقه اسلامی می‌داند. (محقق حلی، ۱۳۷۰، ص ۲۴۱) به همین ترتیب، علامه حلی در تذکرة الفقهاء به وجوب ستر عورت زن و استثنای وجه و کفین تصریح دارد. (علامه حلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲)

بنا بر نظری داشتن با توجه به ویژگی اسقاط‌پذیری حق پوشش مناسب برای مرد و یا زن یک حق

فردی است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۷) لذا با تمسک به چنین نظریه‌ای عده‌ای معتقدند حکومت نمی‌تواند افراد جامعه را از حقوق فردی خود منع نموده و یا آنان را به بهره‌برداری از چنین حقی ملزم نمایند. اما از آنجاکه مسئله حجاب مربوط به آن بُعد از زندگی انسان است که با دیگران ارتباط و تعامل دارد، ماهیت این حکم، اصالتاً اجتماعی است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۷) از سوی دیگر، اقتضای اطلاعات ادله احکام فردی و اجتماعی دین آن است که تمام مقررات دینی در جامعه اجرا شود و از لوازم این موضوع آن است که حکومت‌ها در یک جامعه اسلامی در برابر جهت‌گیری اخلاقی مردم و اجرای احکام شریعت در زندگی اجتماعی مسئولیت دارند. (سروش، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۹۹-۵۰۳) دولت اسلامی همان‌گونه که نمی‌تواند اجازه شرب خمر علنی را، حتی به پیروان ادیان دیگر بدهد، نمی‌تواند با عدم رعایت حجاب در جامعه نیز موافقت کند، زیرا حجاب، فراتر از ادای تکلیف توسط مؤمنان، هنجاری لازم‌الاجرا در جامعه دینی است. (بی‌هقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۷؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۴۳) گرچه مخالفان الزام حکومتی حجاب معتقدند فقدان گزارش‌های تاریخی از برخورد با پدیده بدحجابی در صدر اسلام دال بر عدم مداخله حکومت اسلامی در عصر غیبت نسبت به مسئله حجاب است. (ایازی، ۱۳۸۶، ج ۵۱، ص ۷) این استدلال نه‌تنها از نظر منطقی مخدوش است، بلکه با مبانی فقهی نیز ناسازگار است. فقدان گزارش تاریخی، دال بر فقدان حکم یا عدم وظیفه شرعی نیست؛ زیرا اولاً صرف نبود نقل تاریخی، نفی حکم شرعی محسوب نمی‌شود (نائینی، ۱۳۷۹، ص ۴۷). و ثانیاً اصل «امر به معروف و نهی از منکر» به‌عنوان یکی از واجبات اجتماعی، مسئولیت نظارتی حکومت اسلامی بر حفظ ارزش‌های دینی از جمله حجاب را ایجاب می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۸) افزون بر این، در منابع روایی نیز شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در موارد بروز رفتارهای ناهنجار مربوط به پوشش، نهی اجتماعی، تذکر و مراقبت عمومی صورت می‌گرفته است، حتی اگر در قالب مجازات رسمی ثبت نشده باشد. (طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۱۲۱) بنابراین، این ادعا که حکومت اسلامی در عصر غیبت نیز نباید در مسئله حجاب دخالت کند، از پشتوانه فقهی و تاریخی کافی برخوردار نیست.

در حکومت دینی و شیعی، عدم رعایت حجاب به دلیل قبح شکنی و ترویج و اشاعه معصیت مورد توجه قانون‌گذار اسلامی است و به‌واسطه این‌که برخی از رفتارهای اشخاص تأثیر منفی در اجتماع دارد حکومت می‌تواند متخلفین را به مجازات بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او مجازات کند. (کریمی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۷۲) چنانکه در روایت حماد بن عثمان امام

صادق (علیه السلام) فرمود: «هر مقدار که حاکم مصلحت بداند برحسب مقدار گناه و یا قدرت بدنی شخص تعزیر کند». (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۵۸۴) بر همین اساس ماده ۶۳۸^۱ قانون مجازات اسلامی که به مجازات ترک حجاب شرعی پرداخته، تعزیر حکومتی است. (مهرپور، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴) تعزیرات حکومتی، آن دسته از مجازاتی هستند که منشأ آن‌ها نه حدود الهی بلکه مصلحت عمومی و تشخیص حاکم اسلامی است و بنا بر شرایط زمان، مکان و نیازهای اجتماعی تعیین می‌شوند. (رهپیک، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷) این نوع تعزیرات در نظام اسلامی به مثابه ابزاری برای اجرای احکام شرع و حفظ نظم و امنیت اخلاقی جامعه به کار گرفته می‌شوند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۹)

۲-۱. بازدارندگی و حفظ امنیت اجتماعی

در اسلام مجازات با هدف تنبه فرد و عامل بازدارنده از انحراف و ناهنجاری صورت می‌گیرد. (نجفی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳۱، ص ۲۰۲) مجازاتی که در اسلام برای برخی گناهان در نظر گرفته شده گاهی منوط به اصلاح فردی است و گاهی اصلاح اجتماع. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۹) به عنوان مثال افطار عمدی کفاره دارد اما اگر روزه‌خواری در ملاءعام اتفاق افتد مجازات آن تشدید می‌شود. شارع مقدس برای برخی از گناهان مجازات شدیدتری وضع کرده مانند گناهان مربوط به عفت و حیای عمومی و گناهان جنسی. لذا قوانینی که به حوزه عفاف، حجاب، حیا، عفت عمومی برمی‌گردد طبق فقه شیعه باید بازدارنده باشد به گونه‌ای که فرد به سراغ ارتکاب آن جرم نرود. (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۸) و از آنجاکه کشف حجاب سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد لذا مجازات باید به صورتی باشد که کسی جرئت خدشه‌دار کردن سلامت جامعه را نداشته باشد برخلاف آنچه در لایحه رخ داده و با تقلیل جرم به تخلف موجب کاهش بازدارندگی تخلفات موضوع ماده ۱ شده است. این تقلیل، از منظر سیاست جنایی، نوعی قانون‌زدایی کیفری محسوب می‌شود. اما در قانون مصوب در برخی موارد شاهد بازگشت به قالب کیفری یا دست‌کم افزایش ضمانت اجراهای شبه کیفری هستیم. در مواد ۵ و ۶ قانون نهایی با آوردن محرومیت تصاعدی و آیین‌نامه شفاف در کنار هم، بازدارندگی را تقویت کرده است؛ موضوعی که در لایحه اولیه یا غایب بود و یا بسیار مبهم بیان شده بود.

۱. ماده ۶۳۸: «هر کس علناً در انذار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل و حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد».

۲. فنون قانون‌نگاری بر پایه اصول حقوقی

۲-۱. صراحت و شفافیت

بر اساس بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مصوب ۹۸/۷/۲ رعایت اصول قانون‌گذاری در تعیین سازوکار برای تطبیق وقایع و طرح‌های قانونی بر اساس شفافیت و عدم ابهام مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا یکی از اصولی که ضامن فهم صحیح قانون و اجرای حداکثری آن می‌باشد اصل شفافیت و صراحت قانون است. (منتسکیو، ۱۳۴۳، ص ۸۷۲) لذا از آنجاکه این لایحه اثر تقنینی دارد از جهت مفاد ادبیاتی، کلامی، تفسیری و قانون‌گذاری دقت زیادی را می‌طلبد در حالیکه نحوه قانون‌نگاری لایحه به سمت و سوی است که صراحت و شفافیت لازم را ندارد؛ زیرا عدم شفافیت درنصوص لایحه نتیجه‌ای جز ابهام است و برداشت‌های متعدد و گاهی متناقض در بر نخواهد داشت. قانون نهایی در قیاس با لایحه تا حدودی شفاف‌تر و صریح‌تر شده است، در قانون نهایی، به‌ویژه ماده ۱ (تعاریف عمومی)، مفاهیم کلیدی مثل «فساد»، «سلامت نظام اداری - مالی» و «ستاد مقابله با فساد» کاملاً با عباراتی روشن و منسجم تعریف شده‌اند. این شفافیت، نسبت به عنوان‌های کلی و بی‌تعریفی در لایحه اولیه، پیشرفت واضحی است.

۲-۲. ضمانت اجرای بایسته

ضمانت اجرا، سازوکاری است به‌منظور بکار بستن الزامات قانونی؛ به‌عبارت‌دیگر، این ضمانت، ابزار مناسبی است که اجرای بی‌کم‌وکاست قواعد قانونی و حقوقی را تضمین می‌نماید. (باقرزاده، ۱۳۸۲، ص ۲۲) در حالیکه فقدان ضمانت اجرای مناسب در بند ب و ج ماده ۱ لایحه موجب شده بود تخلفات مربوط به عدم رعایت حجاب بازدارندگی لازم را نداشته باشد در قانون نهایی برخلاف لایحه، بندهای «ب» و «ج» ماده ۱ جای خود را به یک ساختار قانونی پیچیده‌تر و بازدارنده‌تر داده‌اند. طبق ماده ۴۸ تشدید مجازات، جرم‌نگاری رفتارهای اجتماعی در سطح سازمان‌یافته وفق ماده ۳۶، قطع مرور زمان و جمع شدن جریمه‌ها و ضمانت اجرای قضایی مطابق ماده ۵۹، دست‌کم در نگاه حقوقی، بازدارندگی را به‌طور ملموسی تقویت کرده‌اند. در قانون نهایی مصوب ۱۴۰۳، برخلاف لایحه پیشنهادی، بندهای «ب» و «ج» ماده ۱ که ناظر به رویکردهای عمومی و ارشادی نسبت به حجاب بودند، جای خود را به ساختاری کیفری و بازدارنده داده‌اند. این تحول، نشانه تغییر رویکرد قانون‌گذار از

سیاست جنبه‌محور به سیاست کیفری آشکار است؛ به‌ویژه با توجه به مواد ۳۶، ۴۸ و ۵۹ که به ترتیب بر جرم‌انگاری رفتارهای سازمان‌یافته، تشدید مجازات و حذف مرور زمان دلالت دارند. (قانون حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، ۱۴۰۳) چنین سازوکاری را می‌توان در چارچوب سیاست جنایی افتراقی ارزیابی کرد که در آن، قانون‌گذار نسبت به برخی جرائم با شدت عمل بیشتری برخورد می‌کند تا بازدارندگی عمومی را تقویت نماید. (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۷۲)

۳-۲. ارجاع به مراجع قضایی

طبق اصل ۳۶ قانون اساسی، صدور و اجرای مجازات صرفاً از صلاحیت دادگاه صالح و بر اساس قانون است. در لایحه اولیه (بند «الف» ماده ۱)، اعطای اختیار تعیین جریمه به نیروی انتظامی، فاقد وجهت قانونی و مغایر اصل تفکیک قوا بود؛ اما در ماده ۵۰ قانون مصوب، این ایراد با محدود کردن اختیار فراجا به صدور جریمه تعلیقی صرفاً در مرتبه اول و دوم رفع شده است. از مرتبه سوم به بعد، رسیدگی صرفاً در صلاحیت مراجع قضایی قرار دارد. اعطای صلاحیت قضایی به نهادهای اجرایی مانند نیروی انتظامی، بدون نظارت یا رأی مرجع قضایی، موجب تضعیف اصل دادرسی منصفانه و اختلال در نظام حقوقی می‌شود؛ این اصلاح، با حذف مداخله نامحدود ضابطان، ضمن ارتقاء شفافیت حقوقی، اصول حاکمیت قضایی را حفظ کرده است. (حیدری، ۱۴۰۳، ص ۹۰-۸۸)

۴-۲. وصول جریمه از سوی مرجع معتبر

تبصره ۲ ماده ۱ لایحه اولیه به فراجا اجازه می‌داد در صورت عدم پرداخت جریمه ظرف یک ماه، مبلغ آن را مستقیماً از حساب بانکی متخلف برداشت کند؛ اختیاری که حتی در فرآیندهای رسمی اجرای احکام کیفری یا اجرائیات ثبت نیز به این شکل مطلق برای ضابطان وجود ندارد. (جاویدنیا، ۱۴۰۲، ص ۶) این امر با اصول حقوقی و آیین دادرسی مغایرت داشت. در اصلاحات صورت‌گرفته، مواد ۴۸ و ۴۹ قانون نهایی این اختیار را به‌درستی محدود کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که نقش فراجا صرفاً شناسایی، اخطار و ارجاع است و نه صدور یا وصول جریمه. اعطای اختیار برداشت مستقیم جریمه از حساب بانکی متخلف در لایحه اولیه، بدون رأی قضایی، برخلاف اصول آیین دادرسی و حقوق مالکیت مشروع شهروندان بود. این رویکرد موجب تداخل وظایف ضابط و قاضی می‌شد و زمینه‌ساز نقض حقوق دفاعی افراد بود. در

قانون نهایی با اصلاح این ایراد، وصول جریمه صرفاً پس از طی فرآیند قانونی و از طریق نهادهای رسمی یا پس از رأی قطعی دادگاه ممکن شده است. (اسدی، ۱۴۰۱، ص ۷۹)

۳. ابهام‌زدایی و رفع نارسایی‌های نصوص تقنینی جدید

۱-۳. چارچوب‌های قانونی پوشش بر مبنای ضوابط شرعی

در ماده ۲ لایحه اولیه، حدود حجاب به صورت سلبی و بر اساس معیارهای عرفی تعریف شده و تنها مصادیقی مانند کشف حجاب، برهنگی، لباس نازک یا چسبان استثنا شده‌اند؛ اما در ماده ۱ قانون نهایی و تبصره‌های آن، رعایت حجاب بر پایه ارزش‌های شرعی و قانونی تعریف شده و مصادیق «بدپوششی» و «کشف حجاب» با تکیه بر معیارهای فقهی تعیین شده‌اند. همچنین ماده ۴۹ رفتار خلاف شرع را جرم‌انگاری می‌کند؛ بنابراین، قانون نهایی برخلاف لایحه اولیه، بر حجاب شرعی تأکید دارد و از نظر مبنای تعریف تخلف، تفاوت کیفی قابل توجهی با لایحه دارد. این تحول نشان‌دهنده حرکت قانون‌گذار به سمت تقنین مبتنی بر موازین دینی و قانونی صریح است به ویژه تأکید قانون نهایی بر مصادیق «بدپوششی» و «کشف حجاب» به صورت دقیق و با انکاس به نصوص فقهی، نه تنها باعث افزایش قاطعیت در اجرا بلکه بهبود انسجام حقوقی و کاهش ابهامات فقهی و عرفی شده است. (محمدی، ۱۴۰۳، ص ۴۵-۴۸)

۲-۳. الزام حجاب شرعی برای افراد تأثیرگذار

امروزه با گسترش شبکه‌های اجتماعی، تأثیر سلبریتی‌ها بر سبک زندگی دختران و زنان جامعه افزایش یافته است. در ماده ۴ لایحه اولیه، افراد مشهور در حوزه‌های مختلف با رعایت حداقلی از قیود قانونی، امکان ادامه فعالیت داشتند که عملاً به نوعی تساهل در قبال عدم رعایت حجاب شرعی منجر می‌شد. این رویکرد، زمینه‌ساز گسترش الگوهای رفتاری مغایر با ارزش‌های دینی در جامعه بود؛ اما در قانون نهایی، ماده ۴۸ با رویکردی سخت‌گیرانه‌تر، نقض حجاب شرعی توسط سلبریتی‌ها را جرم‌انگاری کرده و مجازاتی شدید، تصاعدی و بازدارنده برای آن در نظر گرفته است. همچنین ممنوعیت‌های رسانه‌ای و حرفه‌ای به صورت شفاف و از مسیر قضایی پیش‌بینی شده است. (حسینی، ۱۴۰۳، ص ۵۵)

۳-۳. تبیین شفاف اصطلاح حجاب در روند تقنین

الفاظ قانونی بایستی آن‌چنان صریح باشد که برای عموم مردم قابل فهم باشد تا علاوه بر اتمام حجت بر تابعان قانون، عذری در عدم اجرای آن نیز باقی نگذارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷) الفاظ صریح، ضمن آن‌که حجت را بر تابعان قانون تمام می‌کند، به دولت نیز امکان اجرای بی‌ابهام و منسجم می‌دهد. به تعبیر دقیق‌تر، صراحت قانونی ابزار تضمین امنیت حقوقی است و نبود آن باعث تضعیف اعتماد عمومی به نظام تقنینی خواهد شد. قانون باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که نه تنها برای حقوقدانان و قضات، بلکه برای عموم مردم نیز قابل فهم و روشن باشد. ابهام در متن قانون، اجرای صحیح آن را با چالش مواجه کرده و زمینه‌ساز تفسیرهای متضاد، برداشت‌های سلیقه‌ای و درنهایت نقض حقوق شهروندان می‌شود. (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۵۱) وفق ماده ۶ لایحه اولیه «تبلیغ علیه حجاب» مشمول جریمه نقدی و محرومیت از هرگونه فعالیت در فضای مجازی قرار گرفته بود؛ اما نه تنها واژه «تبلیغ» رسا نیست بلکه مصادیق تبلیغات منفی در این لایحه نیز روشن نبود. در حالیکه در قانون مصوب ترویج، پخش و انتشار عکس یا فیلم بدون حجاب یا با حجاب ناقص (اعم از خود یا دیگران)، صراحتاً جرم‌انگاری شده است و مشمول مجازات مشخص است. مطابق مواد ۴۲ تا ۴۹ این جرم نه تنها شامل افراد مشهور بلکه شامل همه کاربران فضای حقیقی و مجازی می‌شود، به‌ویژه اگر با نیت تبلیغ، نمایش یا الگوسازی انجام شود.

۴-۳. فرآیند نظام‌مند شناسایی در قانون مصوب

در ماده ۱ لایحه اولیه، اگرچه مراحل تذکر تا ارجاع قضایی برای کشف حجاب‌کننده پیش‌بینی شده بود، اما سازوکار شناسایی و نحوه اقدام ضابطان مبهم و فاقد پشتوانه حقوقی مشخص بود. این ابهام، امکان مداخلات سلیقه‌ای و نقض حقوق متهم را افزایش می‌داد. در مقابل، قانون مصوب در ماده ۶۸ با تعیین فرآیند دقیق شناسایی، احراز هویت و ارجاع از سوی ضابطان قضایی، ضمن ایجاد کنترل حقوقی بر عملکرد فراجا، به حفظ کرامت متهم و شفافیت اجرای قانون کمک کرده است. (کریمی، ۱۴۰۲، ص ۷۴) به‌ویژه ماده ۶۸ با تأکید بر ثبت مستندات، امکان نظارت قضایی و دفاع متهم را تضمین کرده است که این امر از منظر حقوق عمومی تحولی مثبت تلقی می‌شود. (دهقان، ۱۴۰۳، ص ۵۲)

۵-۳. برخورد با مروجین بی حجابی و باندهای فساد و فتنه

لایحه در برخورد با عوامل اصلی بی حجابی، باندهای فساد و مروجین و واردکنندگان پوشاک نامناسب مسکوت بود همچنین برای مستتکفین از رعایت حجاب شرعی که با هدف فتنه و براندازی اقدام به تکشف می‌کردند، مجازاتی تعیین نکرده بود چراکه بر اساس دیدگاهی فقهی، حاکم شرع می‌تواند به صلاحدید خود، کسی را که مرتکب عمل حرامی شده است تعزیر کند، ولی باید از مقدار حدّ کمتر باشد. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۴۴۸) با اصلاحات بعدی ماده ۲۵ قانون مصوب، رسماً وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه را مکلف کرده است تا جرایم سازمان‌یافته مرتبط با فرهنگ برهنگی، بی‌عفتی، کشف حجاب و بدپوششی را رصد و بررسی کنند. مواردی مانند همکاری با دولت‌ها، رسانه‌ها یا گروه‌های خارجی در ترویج این فرهنگ، یا ارسال عکس، فیلم و صوت به بیگانگان، در ذیل عنوان «جرائم سازمان‌یافته» قرار گرفته‌اند که باید شناسایی شده و به مراجع قضایی صالح معرفی شوند.

۴. تحلیل ظرفیت‌ها و بسترهای اجرایی

۱-۴. تعیین مجازات کافی و درخور

نحوه تعیین مجازات در لایحه اولیه بازدارنده نبود و جرم‌های ناچیز باعث تکرار تخلفات می‌شد؛ اما قانون مصوب رویکردی سخت‌گیرانه‌تر دارد و مجازات را تشدید کرده است. علاوه بر جرم‌های مالی، محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی (مثل محرومیت از خدمات بانکی و فضای مجازی) برای افراد و مجازات سنگین‌تر مانند تعلیق یا لغو پروانه برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است (مواد ۱۵، ۱۹، ۲۵، ۲۶ و ۲۸). بازدارندگی مؤثر یکی از اصول اساسی نظام کیفری است که هدف آن پیشگیری از ارتکاب جرم از طریق ایجاد ترس و نگرانی از مجازات است. بازدارندگی زمانی موفق است که مجازات به اندازه کافی قاطع و متناسب با جرم باشند و اجرای آن‌ها با ضمانت‌های عملی همراه شود. در مسائل اخلاقی و اجتماعی مانند موضوع حجاب، بازدارندگی شایسته نیازمند ترکیبی از جرم‌های مالی، محرومیت‌های اجتماعی و اقدامات اجرایی قوی است تا بتواند رفتارهای خلاف قانون را کاهش دهد. (نجفی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۳)

۲-۴. اختیارات ضابط قضایی در برخورد با جرم مشهود

با توجه به تأکید بر استفاده از سامانه‌های هوشمند، ضابطین در این لایحه صرفاً بیننده تخلف

بود لذا نیروی انتظامی در صورت مشاهده جرم مشهود کشف حجاب، حق کمترین برخورد و ممانعتی نداشت و علیرغم اینکه کشف حجاب در ملاءعام به‌عنوان جرم مشهود شناخته می‌شود، ماده ۱ لایحه عملاً اختیار ضابطان را به ارسال پیامک و اخطار تعلیقی تقلیل داده بود و مجازات نقدی جزئی تعریف می‌کرد در حالیکه ماده ۵۸ قانون مصوب سلب صلاحیت ضابطان قضایی در جرم مشهود را مطلوب نمی‌داند و مطابق قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان حق مداخله و اقدام فوری را دارند. به این ترتیب، قانون‌گذار در مقایسه با لایحه پیشین، نه تنها اختیارات ضابطان قضایی را حفظ کرده، بلکه به صورت رسمی، وظیفه قانونی برخورد با جرم مشهود را به سایر مراجع ضابط مانند بسیج نیز سپرده است.

۳-۴. بهره‌گیری از انواع سازوکارها در شناسایی متخلفین

در لایحه عفاف و حجاب، شناسایی متخلفین در درجه اول به صورت محدود و وابسته به «سامانه‌های هوشمند» مانند دوربین‌های معابر عمومی طراحی شده بود که موجب انتقاداتی از حیث ناکارآمدی در پوشش کامل تخلفات و محدود بودن ابزارهای کشف جرم شد؛ اما در قانون نهایی «حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب» این محدودیت به طور صریح برطرف شده و شناسایی و برخورد با مرتکبین، از طرق گسترده‌تر و متنوع‌تر مجاز شمرده شده است مانند امکان شناسایی در فضای حقیقی (میدانی) توسط مأموران از طریق کارت ملی یا سایر مدارک هویتی (ماده ۶۸)، گسترش شناسایی به فضای مجازی (ماده ۴۳، ۴۹ و تبصره‌ها)، امکان صدور دستور قضایی برای اقدامات تکمیلی (تبصره ماده ۶۸).

۴-۴. مرجع رسیدگی به جرایم موضوع این قانون

طبق ماده ۱۴ لایحه اولیه، مرجع رسیدگی به جرایم موضوع قانون تنها دادسرا و دادگاه مرکز استان بود که این امر باعث اطلاع دادرسی و کاهش اثربخشی مجازات می‌شد. (جاویدنیا، ۱۴۰۲، ص ۱۳) در مقابل، ماده ۵۱ قانون مصوب پیش‌بینی هیئتی برای رسیدگی به اعتراضات جرمه‌های هوشمند در حوزه قضائی شهرستان دارد، اما این هیئت تنها مرجع انتظامی است و جایگزین مرجع قضایی محسوب نمی‌شود، بنابراین مشکل محدودیت صلاحیت مراجع محلی همچنان پابرجاست. برای رفع مشکل لازم است صلاحیت مراجع قضایی محلی به صورت رسمی و قانونی در قانون پیش‌بینی شود تا دسترسی متهمان به عدالت تسهیل و اطلاع

دادرسی کاهش یابد. همچنین، ایجاد هماهنگی میان مراجع قضایی شهرستان‌ها و مراکز استان و تدوین آیین‌نامه اجرایی برای سرعت‌بخشی به فرآیند دادرسی می‌تواند کارآمدی نظام قضایی را افزایش دهد. (اسدی، ۱۴۰۱، ص ۹۷)

۴-۵. زیرساخت‌ها و مسیر عملیاتی طرح

با توجه به فقدان دوربین‌های نظارتی در بسیاری از مناطق، اتکای کامل به دوربین به معنای آزادی برهنگی در بسیاری از نقاط (ساحل و کوه و...) خواهد بود. لذا با توجه به محدودیت دوربین در پوشش دهی معابر در سطح کشور، شناسایی درصدی از متخلفین امکان‌پذیر بود؛ اما کاربست ابزارهای فناورانه در نظارت و رصد تخلفات (مانند دوربین‌های هوشمند، پایش داده‌محور و ردیابی الکترونیکی) در قانون جدید به مراتب فراگیرتر شده و زیرساخت‌ها به‌طور قابل‌توجهی تقویت شده است. به‌ویژه در ماده ۳۰ و ماده ۴۸، ابزارهای فناورانه نظارت گسترده‌ای مورد تأکید قرار گرفته‌اند. ماده ۳۰، رسماً توسعه زیرساخت‌های نظارتی دیجیتال را به‌صورت گسترده برای پلیس مسجل کرده است. همچنین ماده ۴۸، مشخصاً امکان اخذ جریمه‌های خودکار را فراهم می‌کند؛ بدون نیاز به پیگیری حضوری یا مراجعه به دادگاه.

۵. همسویی با سایر قوانین و اسناد قانونی

در نظام تقنینی موجود قوانینی داریم که رعایت اخلاق و عفت عمومی و حدود پوشش را به‌صراحت بیان نموده و در امورات اداری و همچنین در امورات اعلامی، نحوه اجرا و ضمانت اجرای آن در بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها به‌کرات بیان شده است.

با توجه به قوانین مدونی که در نظام حقوقی کشور در خصوص عفاف و حجاب وجود دارد نیازی به تهیه و تدوین لایحه جدید نبود. گرچه در قوانین موجود نواقص و کمبودهایی وجود داشت که می‌بایست اصلاح می‌شد، اما از آنجاکه حجاب علاوه بر حکم شرع، یک ضرورت بنیادین در حفظ عفاف و بنیان خانواده است، لایحه جدید بایستی در مقایسه با قانون موجود از تلاش و اهتمام بیشتری برای حفظ حجاب اسلامی و عفت عمومی برخوردار باشد. در لایحه اولیه حجاب شرعی و یک قانون لازم‌الاجرا تا حد هنجار اجتماعی تنزل پیدا کرده بود و خلاف موازین قانونی سابق تعریف جدیدی از پوشش ارائه شده بود. تعریف حد شرعی پوشش و ضمانت اجرای آن و میزان مجازات در رفتارهای خلاف عفت عمومی از معارضات لایحه اولیه

با سایر قوانین بود که با اصلاحات بعدی در نسخه نهایی قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» این تعارض مرتفع شد و از منظر سیاست‌گذاری فرهنگی و قوانین کیفری موجود، با اسناد بالادستی و برخی مواد قانون مجازات اسلامی هم‌راستا است.

۱-۶. همخوانی با ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

وفق تبصره ماده ۶۳۸: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد» قانون جدید عفاف و حجاب از نظر ماهوی با ماده ۶۳۸ تعارضی ندارد، زیرا هر دو بر اصل جرم‌انگاری بی‌حجابی تأکید دارند و در جهت تثبیت این رویکرد حرکت می‌کنند. اما از نظر شکلی و رویه اجرای مجازات، به دلیل پیش‌بینی مجازات فراقضایی و اداری، با اصول دادرسی عادلانه و ماده ۶۳۸ تفاوت دارد که می‌تواند محل اختلاف تفسیری باشد؛ که در این صورت قانون جدید را می‌توان به‌عنوان قانون خاص و مکمل ماده ۶۳۸ در نظر گرفت؛ یا آن را تخصیص‌زنده بدانیم (قانون جدید، روش متفاوتی برای برخورد در نظر گرفته است)، یا موسع بدانیم (علاوه بر کیفرهای قبلی، شیوه‌های جدید کنترل اجتماعی را اضافه کرده).

۲-۶. تطابق با ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

مطابق ماده ۶۴۰ هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینمایی یا به‌طورکلی هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از بیست و پنج میلیون ریال تا صد میلیون ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد. افرادی مانند سلبریتی‌ها که عملکرد برخی از آن‌ها مشوق رفتار خلاف مبانی دینی و ناهنجاری اجتماعی است مصداق این ماده هستند. گرچه ماده ۴ لایحه اولیه از یک‌جهت ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی را پوشش می‌داد اما در جهت دیگر بازدارندگی لازم را ایجاد نمی‌کرد؛ زیرا وفق لایحه اولیه هرگاه اشخاصی که به‌واسطه فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - هنری، ورزشی دارای شهرت و تأثیرگذاری اجتماعی هستند مرتکب رفتارهای موضوع این قانون شوند وصف کیفری در مرحله اول برداشته شده بود و در صورت عدم اصلاح مرتکب به مجازات درجه ۶ محکوم می‌شد و در خصوص تکرار چندباره عناوینی که وصف مجرمانه دارد سکوت اختیار

کرده بود؛ اما با اصلاحات بعدی وفق ماده ۴۳ مجازات سلبریتی‌ها در مرتبه اول، جریمه نقدی سنگین و محرومیت از فعالیت شغلی تا ۵ سال؛ در مرتبه دوم، جریمه سنگین‌تر و محرومیت تا ۱۵ سال برای سلبریتی ناقض عفت عمومی اعمال می‌شود.

۳-۶. تفاهم با قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب

۹۴/۳/۱۹

بر اساس ماده ۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، مراتب این فریضه شامل قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که تنها مرتبه عملی، آن هم در حدود قانونی، وظیفه دولت است. در لایحه اولیه، تنها برخی مصادیق بی‌حجابی جرم‌انگاری شده بود؛ بنابراین نه آحاد مردم و نه ضابطان حق مداخله عملی نداشتند و حتی تذکر لسانی در برخی موارد، مصداق نقض حریم خصوصی تلقی می‌شد (ماده ۸)؛ اما قانون نهایی با تغییر رویکرد، در ماده ۲۸ از آمران قانونی حمایت کرده و تعرض به آنان را جرم دانسته است، مشروط بر اینکه اقدام آنان محترمانه، قانونی و غیرتحقیرآمیز باشد. قانون مصوب با اصلاح رویکرد پیشین، تلاش کرده است میان حفظ حریم خصوصی افراد و پشتیبانی از اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر تعادل برقرار کند. همچنین تلاش کرده است تا هم کارآمدی فریضه دینی را حفظ کند و هم از تعدی به حقوق شهروندان جلوگیری نماید. (طاهری، ۱۴۰۰، ص ۵۵)

۴-۶. توافق با قوانین عادی در جرم‌انگاری اعمال منافی عفت

از آنجاکه عنوان «حمایت از سلامت اجتماعی» در عنوان لایحه اولیه بسیط است فلذا علاوه بر حجاب سایر رفتارهای خلاف عفت عمومی را نیز در برمی‌گیرد؛ بنابراین، می‌بایست مفاد لایحه اقدامات تأمینی در خصوص رفتارهای خلاف اخلاق حسنه و عفت عمومی را نیز پوشش می‌داد؛ زیرا دو واژه «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. (باقری، ۱۳۹۵، ص ۶۶-۷۳) و ضرورت رعایت حیا و عفاف در مناسبات زن و مرد بیانگر ارتباط وثیق عفاف و حیا با حجاب است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۲۷۲؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۹۰؛ زحیلی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۳۶-۳۳۷) در حالیکه روح حاکم بر قوانین اسلام در خصوص رفتارهای خلاف عفت عمومی به‌طور کامل در لایحه لحاظ نشده بود و تنها در یک مورد ماده ۹ لایحه به منع واردات تولید و توزیع عمده لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در انظار

عمومی مغایر و منافی عفت عمومی است اشاره و تخلف انگاری نموده بود در صورتی که قانون مصوب در اصلاحات بعدی رفتار «خلاف عفت عمومی» در بندهای مختلف جرم‌انگاری شده است ولی واضح‌ترین اشاره در فصل اول کلیات؛ ماده ۱ این قانون است: «هر رفتاری که به ترویج برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی، بدپوششی و اعمال خلاف عفت عمومی که منجر به برهم‌زدن آرامش زن و مرد در خانواده، رواج ازدواج دیرهنگام، گسترش طلاق و آسیب‌های اجتماعی و زدودن ارزش خانواده می‌شود، ... ممنوع می‌باشد». یعنی هرگونه عمل یا پوشش غیرمتمعارف در فضاهای عمومی، به‌عنوان «رفتار خلاف عفت» شناخته شده و منع شده است. گرچه شایسته بود قوانین عادی را نیز جهت بهتر اجرایی شدن قانون مصوب به آن الحاق می‌کردند. مانند:

۱. قانون ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه برای تالارها؛ در بند ۶ اشاعه فساد، فحشاء و اعمال منافی عفت عمومی را از جهات منع صدور پروانه برشمرده است.
۲. قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ فصل چهارم، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی در فضای مجازی را مشمول مجازات شمرده است.
۳. قانون جرایم رانندگی در بخش یکم، در بخش جرایم و مجازات، در فصل چهارم جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی را مشمول مجازات می‌داند.
۴. قانون ساماندهی مد و لباس مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۲ به منظور حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی و اسلامی؛ ضمن تعیین حدود پوشش تصریح کرده به اینکه ساماندهی مد و لباس به‌گونه‌ای باید باشد که عفت عمومی را جریحه‌دار نکند.
۵. بخشنامه شماره ۹۰۵۷/۸۶/۱ مورخه ۱۳۸۷/۱۲/۲۰ به واحدهای قضایی سراسری و همچنین بخش‌نامه شماره ۵۸۵/۷۲ م مورخه ۷۲/۳/۴ برخورد قاطع و اعمال اشد مجازات درباره ترویج‌دهندگان منحط و مغایر با شئون اسلامی را به مراجع قضایی واگذار کرده است. ضمن اینکه فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها خلاف شرع و یا باعث جریحه‌دار نمودن عفت عمومی می‌شود؛ در صورت احراز جرم، مرتکب به اشد مجازات قانونی ماده ۱۰۳ و بنده ۱ ماده ۱۰۴ محکوم می‌شود. مطابق این دو بخشنامه برخورد قاطع و اعمال اشد مجازات در خصوص کسانی که مغایر با شئون اسلامی رفتار می‌کنند تأکید شده است.

۵-۶. انطباق با قوانین عادی در رعایت حجاب مطابق ضوابط اسلامی

«الزام حکومتی» یا «الزام سیاسی» از مفاهیم پایه در فلسفه سیاسی و فقه سیاسی است. (جعفری، ۱۳۸۶، ش ۱۱) اقتضای حکومت بر الزام اتباع خود، امری بدیهی و از ذاتیات حکومت می‌باشد. (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۶۳؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳۹) حجاب نیز از موضوعات یا مصادیقی است که متعلق الزام حکومت اسلامی واقع شده و در قوانین متعدد به رعایت حجاب اسلامی تصریح شده است. آنچه موجب بروز تعارض میان مفاد لایحه اولیه و سایر قوانین عادی شده بود؛ این است که مبنای جرم‌انگاری و تخلف‌انگاری در قوانین سابق عدم رعایت حجاب «شرعی» است در صورتی که در لایحه مزبور حجاب «عرفی» ملاک شناسایی تخلف قرار گرفته بود. لذا این شائبه به وجود می‌آمد که آیا با تصویب لایحه اولیه سایر قوانین عادی در خصوص ضوابط حجاب اسلامی منسوخ خواهد شد؟

با عنایت به اینکه قانون جدید عفاف و حجاب به‌گونه‌ای دقیق و صریح به تعریف مفاهیم کلیدی همچون «حجاب» و «بدپوششی» پرداخته، بسیاری از ابهامات مفهومی و اجرایی موجود در لایحه پیشین، به‌ویژه در خصوص برداشت‌های متغیر از «حجاب عرفی» را مرتفع ساخته است. (قانون حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، ۱۴۰۲) از منظر حقوقی، این قانون نه تنها ناسخ مقررات پیشین محسوب نمی‌شود، بلکه در مقام تبیین، تفسیر و تقویت همان چارچوب‌های قانونی سابق ظاهر شده است. (لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴) تصویب این قانون را می‌توان گامی در راستای تکمیل نظام حقوقی ناظر بر پوشش اسلامی دانست که با رویکرد هماهنگ‌سازی، شفاف‌سازی و رفع خلأهای اجرایی، به استمرار و انسجام در سیاست کیفری مرتبط با عفاف و حجاب یاری رسانده است. (محمدی، ۱۴۰۳: ص ۷۵)

قوانین و آیین‌نامه‌هایی مانند:

۱. ماده ۴۵ اصلاحیه آیین‌نامه لایحه استقلال قانون وکلا، مصوب ۸۸/۳/۲۷ قوه قضاییه، بانوان وکیل نسبت به خود و موکلین ملزم به حفظ عفاف و حجاب کامل اسلامی و رعایت سادگی هستند.

۲. ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون انطباق عموم اداری و مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس مصوب ۱۳۸۰/۶/۱۴ هیئت وزیران؛ کلیه کارکنان مؤسسات پزشکی مکلف به رعایت پوشش اسلامی هستند.

۳. آیین‌نامه مصوب جلسه ۶۵۲ مورخه ۷۹/۵/۲ شورای عالی آموزش و پرورش در فصل ۵، ماده ۶۴ الی ۶۷، به پوشش و لباس دختران بر اساس وقار، عفاف و مناسب با شئون اسلامی مناسب تصریح کرده است.
۴. ابلاغیه مورخه ۶۹/۲/۱۰ بخش‌نامه‌ای که به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی وابسته به دولت، انجام گرفته است، ابلاغیه شیوه پوشش کارمندان دولت را بیان کرده است.
۵. بخشنامه مصوب ۶۴/۲/۲ نخست‌وزیری رعایت حجاب اسلامی در محیط کلیه دستگاه‌های اجرایی را تأکید کرده است.
۶. قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵ انواع جرایم را برشمرده و در ماده ۱۴ به اعمال خلاف اخلاق عمومی و در ماده ۱۸ به عدم رعایت حجاب اسلامی اشاره شده است.
۷. ارتکاب اعمال خلاف شرع و عدم رعایت حجاب اسلامی را در فصل دوم در بند ۱۳ ماده ۱۷ به‌عنوان تخلف انتظامی برشمرده و مجازات‌هایی را از نظر انضباطی برای مرتکبین در نظر گرفته است.
۸. قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ در بند ۱۲ به ارتکاب اعمال خلاف شرع و عدم رعایت حجاب اسلامی مشمول تخلف شمرده است.
۹. قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۲/۹/۷ در فصل دوم ماده ۸ در بند ۲۰، رعایت نکردن حجاب اسلامی، اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری، رعایت نکردن شئون و شعائر اسلامی را مشمول تخلفات اداری قرار داده است.
۱۰. نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب ۹۱/۱۲/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی در بند ۴ تبیین و نهادینه‌سازی فرهنگ عفاف، پوشش و حجاب اسلامی در مناسبات و ارتباط اجتماعی را مورد اشاره قرار داده است.
۱۱. سند دانشگاه اسلامی مصوب جلسه ۷۳۵ مورخ ۹۲/۴/۲۵، اصل دوم، در راهبرد چهاردهم نهادینه‌سازی فرهنگ عفاف و حجاب، ساماندهی فضای عمومی دانشگاه و حفظ شئون محیط علمی دانشگاه را جزئی از اصول و مبانی تلقی کرده است.

۱۲. طبق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب جلسه ۷۴ مورخه ۱۳۹۰/۱۰/۶ ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، عفاف، حجاب، متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی مورد تصریح قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در جمع‌بندی نهایی، می‌توان قانون کنونی را گامی در جهت قاعده‌مند کردن اقدامات در حوزه حجاب و عفاف دانست چراکه سامان یافتن شیوه برخورد با بی‌حجابی و بدحجابی موجب جلب اعتماد از سوی آحاد جامعه مبنی بر دریافت پیام تمایل حاکمیت به حل مسئله از طرق مسالمت‌آمیز و قانونی می‌شود. طبق آنچه گذشت از نقاط ضعف لایحه محدودسازی اختیارات دستگاه قضایی و نیروی انتظامی در برخورد با عدم رعایت حجاب شرعی، اباحه‌گری نسبت به اکثریت مصادیق بدحجابی، تبدیل کشف حجاب و نیمه برهنگی به تخلف و سیاق لایحه، صرفاً قضایی و فاقد جنبه حمایتی بود ضمن آن‌که نه تنها نقش قابل قبولی در پیشگیری از بی‌حجابی نداشت، بلکه مسیر ارتکاب این تخلفات را نیز هموارتر می‌ساخت در حالیکه نسخه نهایی قانون مصوب مجلس، ضمن گسترش دامنه مصادیق تخلف، با تشدید رویکرد کیفری و تقویت جنبه‌های بازدارنده، ماهیتی سخت‌گیرانه‌تر نسبت به نسخه اولیه اتخاذ کرده است. میزان جریمه‌های نقدی به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته و در مقابل، سهم سازوکارهای اقناعی و فرهنگی کاهش محسوسی داشته است. همچنین، کاربست ابزارهای فناورانه در نظارت و رصد تخلفات در قانون جدید به مراتب فراگیرتر شده و به تقویت سازوکارهای کنترلی غیرحضور و فناور محور انجامیده است. علاوه بر این لایحه اولیه دولت بر اقتضانات اجتماعی و اصل اقناع فرهنگی استوار بود و سعی داشت با کمترین دخالت کیفری، تکالیف ارشادی را پررنگ کند. این نگاه، همسوی سیاست‌های نرم‌افزاری و پیشگیرانه بود و نقش تنبیهی را محدود می‌کرد. در مقابل، نسخه مصوب مجلس با تأکید بر اقتدار قانون و گسترش دایره بازدارندگی، عملاً گرایش به سرعت در اجرای مجازات و تشدید ضمانت‌ها دارد. این تغییر، بازتاب نگاه کیفری - تنبیهی حاکم بر فضای سیاسی است.

جهت ارتقای لایحه پیش‌رو راهکارهایی ارائه می‌شود:

۱. تصویب این قانون بدون هیچ پشتوانه اجرایی مشکل کنونی کشف حجاب را حل نمی‌کند لذا لازم است آیین‌نامه اجرایی، ابلاغ و عملیاتی شود.

۲. وفق قانون مصوب بخشی از درآمد حاصل از اجرای این قانون صرف پروژه‌هایی برای جبران و کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهد شد، شایسته بود هزینه عواید مالی، نزدیک‌ترین محل به موضوع قانون عفاف و حجاب انتخاب می‌شد مانند تمرکز بر واحدهای تولیدی البسه و پارچه‌های حجاب به منظور بسط و توسعه فعالیت اقتصادی. ۳. بایستی در قانون ترک فعل کارمندان قوه قضاییه نیز مورد توجه قرار گیرد زیرا عمدتاً قوه قضاییه با عذر تراکم پرونده‌های قضایی در اعمال مواد این لایحه استتکاف خواهد داشت.

۴. لازم است به دلیل کمبود نیروی فراجا؛ سپاه و بسیج و به‌نوعی کلیه ضابطین آموزش دیده برای این طرح بکار گرفته شوند و علاوه بر فراجا سایر ارگان‌ها نیز متولی اجرای این لایحه شوند. همچنین از ظرفیت‌های مردمی مانند تشکل‌های فعال استفاده کرد تا خلأهای سازوکارهای نظارتی را رفع کنند.

۵. مطابق مصوبه ۸۲۰ شورای عالی فرهنگی در سال ۱۳۹۸ تکالیف و وظایف تمامی دستگاه‌های مرتبط با حوزه حجاب مشخص شده است. لازم است با الحاق این مصوبه به قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» برای تمامی دستگاه‌ها اهتمام و تکلیف قانونی نسبت به اجرای مصوبات حاکم ایجاد شود.

منابع

- قرآن کریم

۱. ابن حنبل، احمد بن حنبل. (۱۴۲۱ ق). مسند (چاپ یکم، جلد ۲). بی‌جا: مؤسسة الرسالة.
۲. ابن منظور. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب (چاپ سوم، جلد ۱). بیروت: دار صادر.
۳. اسدی، زهرا. (۱۴۰۱). اصول و چالش‌های صلاحیت قضایی در قوانین موضوعه. تهران: نشر عدالت.
۴. ایازی، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۶). نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب، فصلنامه فقه، شماره ۵۱.
۵. بیهقی، احمد بن حسین. (بی‌تا). السنن الكبرى (چاپ یکم، جلد ۲). بیروت: دارالفکر.
۶. جاویدنیا، جواد. (۱۴۰۲). چهارمین جلسه نشست اصلاح و بازنگری در لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، برگزار شده توسط پژوهشکده دانشگاه باقرالعلوم.
۷. جاویدنیا، روح‌الله. (۱۴۰۲). نقد و بررسی تطبیقی لایحه و قانون حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۸. جزیری، عبدالرحمان. (۱۴۲۴ ق). الفقه علی المذاهب الاربعه (چاپ سوم، جلد ۱). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق (چاپ یکم، جلد ۲). تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۰. جعفری، سیاوش. (۱۳۸۶). رویکردهای مذهبی الزام سیاسی، مجله راهبرد توسعه، شماره ۱۱.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲). وسائل الشیعه (چاپ یکم، جلد ۲۰). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۲. حسینی، فاطمه. (۱۴۰۳). تحلیل تطبیقی نقش چهره‌های مؤثر اجتماعی در قانون عفاف و حجاب. تهران: انتشارات جنگل.
۱۳. خراسانی، محمدکاظم. (۱۳۸۶). کفایه الاصول (چاپ اول). قم: انتشارات دارالفکر.
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۷). سیری در تربیت اسلامی. تهران: ذکر.
۱۵. دهقان، ناصر. (۱۴۰۳). حقوق شهروندی و الزامات تقنینی در قانون عفاف و حجاب. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.

۱۶. رفیعی، علیرضا. (۱۴۰۱). سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال جرائم علیه عفت عمومی. تهران: نشر میزان.
۱۷. ره‌پیک، محمدحسن. (۱۳۹۰). حکومت اسلامی و مبانی آن. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. زحیلی، وهبه مصطفی. (بی‌تا). الفقه الاسلامی و ادلته (چاپ یکم، جلد ۱). دمشق: دارالفکر.
۱۹. زحیلی، وهبه مصطفی. (۱۴۰۴ ق). الفقه الاسلامی و ادلته (چاپ یکم، جلد ۷). دمشق: بی‌نا.
۲۰. سیستانی، سیدعلی. (۲۰۰۰ م). استفتاءات المرجع‌الدینی‌الأعلی‌السید السیستانی (مدغله) (چاپ یکم، جلد ۱). قم: بی‌نا.
۲۱. شهید صدر، محمدباقر. (۱۳۸۹). اسلام راهبر زندگی است (الإسلام یقود الحیاة). قم: دارالفکر.
۲۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۴). مصوبه ۴۲۷: راهکارهای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب.
۲۳. صفایی، رضا. (۱۴۰۰). اصول و فنون قانون‌نویسی. تهران: انتشارات سمت.
۲۴. طاهری، ع. (۱۴۰۰). بررسی حقوقی حدود دخالت آمران به معروف در امور اجتماعی. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۷۲-۵۵.
۲۵. طباطبائی یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم. (۱۴۲۹). العروة الوثقی (چاپ یکم، جلد ۵). قم: دار الانصار.
۲۶. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۰۴ ق). تفسیر المیزان (جلد ۱۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. فضل‌الله، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۷). جوانان، ورزش و حجاب، مجله پیام زن، شماره ۷۴.
۲۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. قانون حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب. (۱۴۰۳). تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۳۰. قانون حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، مصوب ۱۴۰۲، مجلس شورای اسلامی.
۳۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۵). جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی. مجله کانون وکلا، دوره ۲۰، شماره ۱۰، صص ۴۲-۲۵.

۳۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۳). مقدمه علم حقوق (چاپ شانزدهم). تهران: انتشارات بهمن.
۳۳. کریمی، الهام. (۱۴۰۲). تحلیل حقوقی تحولات لایحه و قانون عفاف و حجاب. تهران: انتشارات میزان.
۳۴. کریمی، حسین. (۱۳۶۵). موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی قدس سره (چاپ یکم). قم: نشر شکوری.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). اصول کافی (چاپ چهارم، جلد ۵). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۶. کوشکی، محمدصادق. (۱۴۰۲). نشست «نقد و بررسی لایحه عفاف و حجاب»، برگزار شده توسط خبرگزاری مهر در فرهنگسرای انقلاب.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار (چاپ اول، جلد ۶۸). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. محمدزاده، مهدی؛ بکشلو، رضا و عیسی زاده، بشیر. (۱۴۰۱). نقد و بررسی لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» از منظر اصول و قواعد قانونگذاری، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، دوره ۲۲، شماره ۶، صص ۲۹-۵۴.
۳۹. محمدی، سیدمهدی. (۱۴۰۳). تحلیل تحولات تقنینی در حوزه حجاب: از مصوبه ۱۳۸۴ تا قانون ۱۴۰۲. تهران: نشر میزان.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰). نظریه سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله).
۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۶). نظریه حقوقی اسلام، تحقیق و تنظیم کتاب محمدمهدی نادری قمی، محمدمهدی کریمی نیا، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، چاپ یکم.
۴۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مسأله حجاب (چاپ پنجم، جلد ۱). تهران: انتشارات صدرا.
۴۳. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۰۲). الفقه علی مذاهب الخمسه (چاپ پنجم). بی نا.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). استفتانات جدید (گردآوری ابوالقاسم علیان نژادی، چاپ دوم، جلد ۲). قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام).

۴۵. منتسکیو. (۱۳۴۳). روح القوانين (ترجمه علی اکبر مهتدی، چاپ پنجم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۶. منتظری، حسین علی. (۱۳۷۵). رساله توضیح المسائل (چاپ بیست و یکم، جلد ۱). تهران: انتشارات سربابی.
۴۷. مهرپور، حسین. (۱۳۷۲). حقوق جزای عمومی اسلام و ایران (جلد دوم). تهران: سمت.
۴۸. مهرپور، حسین، (۱۳۸۷). دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوق (چاپ سوم). تهران: اطلاعات.
۴۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۱۵ ق). منهاج الوصول الی علم الاصول (چاپ یکم، جلد ۱). قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).
۵۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۲۱ ق). کتاب البیع (چاپ یکم، جلد ۱). قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).
۵۱. نائینی، محمدحسین. (۱۳۷۹). تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵۲. نجفی، محمد. (۱۳۹۸). نظام کیفری و اصول بازدارندگی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵۳. نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲ ق). جواهرالکلام (چاپ هفتم، جلد ۳۱). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی